«گربه های سیاه و سفید» دن سیائوپین

مقاله زیر از جمله هزاران نوشته ای است که در دوران قدرتگیری دوبارهٔ جریان راست در چین در دهۀ ۱۹۷۰، توسط کارگران انقلابی در مبارزه علیه این جریان به نگارش درآمده است. این مقاله در نقد خط دن سیانوپین در مورد مسائل اقتصادی نوشته شده است. عنوان آن اشاره دارد به جملهٔ معروفی از دن سیانوپین که گفت: «فرق ندارد گربه سیاه باشد یا سفید، بلکه باید موش بگیرد» و منظورش این بود که مهم نیست با الگوهای سیاسی و اقتصادی سوسیالیستی عمل میکنیم یا سرمایه داری، بلکه مهم این است که چین را به یک کشور قدرتمند تبدیل کنیم. این خط بورژوایی و رویزیونیستی در دوران انقلاب فرهنگی پرولتاریایی چین در ابعاد وسیع در میان توده های مردم و کارگران و زحمتکشان و گاردهای سرخ نقد و افشا شد. ترجمهٔ فارسی، خلاصه ای از برگردان انگلیسی کل مقاله است که از کتاب «مائو پنجمی بود» تألیف و گردآوری شده توسط رفیق ریموند لوتا است. اصل چینی مقاله در ١٤ آوریل ١٩٧٦ در مجله مطالعه و انتقاد به چاپ رسید. ترجمهٔ فارسی آن برای نخستین بار در نشریهٔ **حقیقت** ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) دور دوم شمارهٔ ۵ مهر ماه ١٣٦٥ منتشر شد. اینک و با توجه به مباحث مربوط به ماهیت چینِ سرمایه داری امپریالیستی امروز بار دیگر اقدام به انتشار آن میکنیم.

وبسایت حزب کمونیست ایران (م ل م) فروردین ١٤٠٠

«گربه های سیاه و سفید» دن سیائوپین

«مسائلی معین در مورد تسریع رشد صنعتی» (به اختصار۲۰ نکته) که توسط رهروی اصلاح ناپذیر سرمایه داری دن سیائوپین ساخته و پرداخته شده، پرچم پلید احیای سرمایه داری... در جبههٔ صنعتی است. این سند در شیپور نیروهای مولده و تئوری زوال مبارزهٔ طبقاتی میدمد، و فعالانه انگیزه های مادی را تبلیغ میکند، سود را در مقام فرماندهی قرار میدهد و دیکتاتوری توسط افراد دُگم، مدیریت توسط متخصصین و فلسفهٔ کمپرادوری برده وار که کاملا به وسیلهٔ ما کارگران بی حیثیت و طرد شده است را رواج میدهد. این سند با قراردادن سیاستهای پرولتری در مقام فرماندهی، اتکای همه جانبه بر طبقهٔ کارگر، سیاست حفظ استقلال و ابتکار عمل و تولید و بازتولید از طریق اتکاء به خود مخالف میورزد. «۳۰ نکته» محصول خطی رویزیونیستی است که توسط دن سیائوپین تبلیغ میشود.

اخیراً صدر مائو خاطر نشان کرد که : این شخص مبارزهٔ طبقاتی را درک نمیکند، او هرگز به مبارزهٔ طبقاتی به مثابه حلقهٔ کلیدی اشاره ای نکرده است. و تز «گربه سیاه و سفید» او هیچ تمایزی مابین امپریالیسم و مارکسیسم قائل نیست.

بخشی از «۲۰ نکته» می گوید: «رهنمودهای صدر مائو در ارتباط با مطالعهٔ تئوری، مبارزه برای جلوگیری از رویزیونیسم و برای ثبات و وحدت و پیشبرد اقتصاد ملی یک برنامه عام برای تمام کار کل حزب، کل ارتش و کل ملت است. اگر قرار است که به رشد صنعت شتاب بخشیم این حلقهٔ کلیدی باید به طور محکمی در درست گرفته شود».

متن نقد ما:

دن سیائوپین این رهروی اصلاح ناپذیر سرمایه داری، برنامهٔ رویزیونیستی :در دست گرفتن... رهنمود به مثابه حلقهٔ کلیدی» را جلو میگذارد که مسائل درجهٔ اول و درجه دوم را مخدوش کرده و جای آنها را با یکدیگر عوض کند. او سعی کرد خط اساسی حزب را با تاکتیک کثیف پرده افکندن بر فاکتهای واقعی عوض کند. بین ماه مه و ژوئیهٔ سال گذشته، او «سه رهنمود» را به مثابه «حلقه کلیدی برای تمام کار» به پیش نهاد. سپس بین اوت و ماه سپتامبر ۲۰ نکته را عَلَم کرد و گفت: «سه... رهنمود به مثابه حلقهٔ کلیدی باید در دست گرفته شود». رفیق مائو گفت :«چه؟! سه... رهنمود به مثابه حلقهٔ کلیدی! ثبات و وحدت به معنای کنار گذاردن مبارزهٔ طبقاتی نیست. مبارزهٔ طبقاتی حلقهٔ کلیدی است و همه چیز به آن وابسته است».

متن ۲۰ نکته: «لازم است که بدون تعصب تمام پدیده های پیشرفته و عالی ترِ خارجی را مطالعه کنیم و تکنولوژی پیشرفتهٔ خارجی را به طریقی با برنامه و روش مناسب وارد کنیم و آن را در خدمت خود بگیریم تا بتوانیم رشد اقتصاد ملی را تسریع بخشیم. ما باید بر حفظ استقلال، حفظ خلاقیت و باز تولید از طریق اتکاء به خود اصرار ورزیم و با فلسفهٔ کمپرادوری برده وار و تز خزیدن در پشت دیگران با سرعت لاک پشتی مخالفت کنیم. با این وجود تحت هیچ شرایطی نباید به خود غره شویم، درهای خود را ببندیم و از یادگیری پدیده های نوین کشورهای دیگر امتناع کنیم. لازم است که نه تنها با عمل کپیه کردن چیزها از محصولات دیگران مبارزه کنیم بلکه باید با عمل عوض کردن آنها و با به کارگیری شلخته وار آنها نیز مبارزه کنیم».

متن نقد ما :صدر مائو به ما می آموزد: «عمدتآ باید بر تلاشهای خود تکیه کنیم و یاری گرفتن از بیرون را به یک مسئله تبعی تبدیل کنیم».کشورهایی که اقتصادشان را با اتکاء به دیگران رشد میدهند، امکان ندارد که

بتوانند سرنوشت خود را در دست گیرند. به مثابه یک کشور سوسیالیستی ما باید یک سیستم افتصادی مستقل داشته باشیم. ما فقط میتوانیم در... مسیر خودمان صنعت را رشد دهیم. فاکتهای بیشمار ثابت کرده که مردم چین کاملاً قادرند در رشته های علم و تکنولوژی خود را به پیشرفته ترین استاندارهای جهان برسانند. با این وجود ۲۰ نکته تکنولوژی خارجی را تحت عنوان اینکه «دارای باراوری بیشتر است» تحسین میکند و مرتباً بر نیاز اتکاء بر آن اصرار می ورزد.

رفیق مائو میگوید: «از تجربهٔ خوب دیگر کشورها آگاهانه یاد بگیرید و حتماً تجارب بد آنها را نیز مطالعه کنید تا از آن درس بگیرید». تکنولوژی را باید تقسیم به دو کرد. طرحهای تکنیکی در کشورهای سرمایه داری به تأمین حداکثر سود برای بورژوازی انحصاری خدمت میکند و دارای ماهیت طبقاتی روشنی است. چگونه ممکن است که ما آنها را مورد استفاده قرار دهیم و بین «گربهٔ سفید و سیاه» تمایزی قائل نشویم.

متن۲۰ نکته مینویسد «برای تسریع بهره برداری از منابع نفتی و ذغال سنگ کشورمان، ما ممکن است بر مبنای شرایط برابر و سودبری متقابل و بر مبنای سنتهای رایج و قابل قبول مانند پرداخت قسطی در تجارت بین المللی و... قراردادهای طولانی مدت با دیگر کشورها ببندیم و برخی زمینه های تولید را معین کنیم تا آنها یک سری ابزار مدرن مناسب را برایش فراهم سازند و در عوض ما به آنها ذغال سنگ و نفت خام تولیدی خود را بدهیم».

نقد ما : به قصد گدایی «تکنولوژی پیشرفته و ابزار از سرمایه داران خارجی» دن سیائوپین این رهروی اصلاح ناپذیر سرمایه داری به زانو در آمده و در به فروش گذاردن استقلال و حیثیت ما شکی ندارد. این کار، ما کارگران را شدیداً عصبانی میکند. چند وقت پیش *پراودا* روزنامهٔ رویزیونیستهای روسی نیز تبلیغ کرد که :«ما باید استفادهٔ کامل تری از منابع طبیعی کشورمان بکنیم و برای این کار باید به جلب سرمایه و تجربهٔ خارجی بپردازیم. به طوری که شاید در آینده بتوانیم وامهای خود را با بخشی از محصولات تولید شده توسط پروژه های خود بپردازیم». تزهای دن سیائوپین از همان جا وارد شده است.

بر مبنای این «سیاست مهم» ما باید بدون محدودیت آن چیزهایی که میتوانیم تولید کنیم را وارد کرده و به هر قیمت که شده صدور آن چیزهایی که شدیداً به آنها نیازمندیم را افزایش دهیم. اگر ما اجازه میدادیم این اوضاع ادامه یابد، آیا کشور ما به یک بازار آب کردن کالاهای امپریالیستها تبدیل نمیشد؟ به یک پایگاه مواد خام، یک کارگاه زنجیره ای و تعمیرات و محل سرمایه گذاری بدل نمیگشت؟ آیا ما کارگران تبدیل به کارگران مزدور سرمایهٔ خارجی نمی شدیم؟ دن سیائوپین با این سیاستش در واقع میخواهد تسلیم امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم شود و استقلال ما را به حراج بگذارد. این چیزی که ما کارگران تحملش کنیم!

متن ۲۰ نکته: «مخالفت عاری از تشخیص علیه مدیریت صنعتی بالاجبار به آنارشی خواهد انجامید».

نقد ما: مدیریت صنعتی دارای خصلتی طبقاتی است. در یک جامعهٔ طبقاتی هرگز مدیریت صنعتی ماوراء طبقات وجود نداشته است. ما نه تنها با آنارشیسم مخالفیم بلکه با اعمال دیکتاتوری بورژوایی بر توده های کارگر در شکل «کنترل، بازرسی و اجبار» نیز مخالفیم... هدف تمام اینها نفی دستاوردهای مبارزه-انتقاد-تغییر که از زمان آغاز انقلاب فرهنگی به راه افتاده است. از زمان آغاز انقلاب فرهنگی، ما در انطباق با رهنمودهای صدر مائو درگیر کار جدی مبارزه-انتقاد- تغییر شده ایم و خط رویزیونیستی در ارتباط با ادارهٔ شرکتهای صنعتی را مورد نقد قرار داده ایم و بر نقش کارگران به مثابهٔ اربابان کارخانجات تأکید کرده ایم. در شرکتهای صنعتی مناسبات مابین افراد دچار تغییر و تحولات عمیقی شده است... در شانگهای توده های کارگر اَشکال گوناگونی از دخالت و شرکت کارگران در مدیریت منطبق بر اصول اساسی «جدول مجتمع آهن و فولاد آنشان» را خلق کرده اند و این شیوه ها را به صورت نهادهایی درآورده اند. ما عمیقاً بر چنین نظم انقلابی ای درود میفرستیم!

متن۲۰ نکته: «لازم است سیستمهای فرماندهی مدیریت تولید برپا گردد که تحت رهبری متحد کمیته های حزبی باشد. سیستمهایی که مؤثر بوده و قادر باشد مستقلانه مسئولیت فعالیت روزمره تولیدی، مدیریت و هدایت شرکتهای صنعتی را به عهده بگیرد و به سرعت مشکلاتی را که از تولید بر میخیزد حل کند و

پیشرفت عادی تولید را تضمین نماید. از کمیته های حزبی نباید خواسته شود که مستقیماً مسائل ریز و درشت را حل کنند. زیرا که آنها باید کار برخورد به موضوعات مهم و درک کار سیاسی-ایدئولوژیک را به پیش برند».

نقد ما: صدر مائو خاطر نشان کرد «درصنعت، کشاورزی، بازرگانی، تعلیم و تربیت، ارتش، و حزب- در این هفت بخش- حزب باید رهبری را در تمام زمینه ها اعمال کند». در کارخانه ها و شرکتها فقط هنگامی که مبارزهٔ طبقاتی به مثابهٔ حلقهٔ کلیدی گرفته شود و خط اساسی حزب تحت رهبری متمرکز حزب به پیش برده شود ما قادر خواهیم بود که شرکتها را در مسیر و جهتگیری سوسیالیستی نگاه داریم و وظیفهٔ تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا را در سطوح پایه ای و ریشه ای بر آورده سازیم. کمیته های انقلابی مستقر شده در دوران انقلاب کبیر فرهنگی را توده های کارگر خلق کردند ، اما ۲۰ نکته هیچ گونه اشاره ای به ضرورت رشد کامل نقش این کمیته نمیکند و به جای آن فراخوان تشکیل «سیستمهای فرماندهی مدیریت تولید که مستقلانه عمل کنند» را میدهد. هدف از این کار عبارت است از نفی انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی و پدیده های نوین سوسیالیستی. این در واقع هیچ چیز نیست مگر منع کردن کمیته های حزبی از برخورد به مشکلاتی که در ارتباط با خط، اصول و سیاستها در عرصهٔ تولید به ظهور میرسند.

متن ۲۰ نکته: «سیستم مسئولیت، هستهٔ مرکزی قوانین و مقرارت یک شرکت است. بدون یک سیستم مطلق مسئولیت، تولید فقط به روش هرج و مرج گونه به پیش خواهد رفت. بنابراین لازم است که یک سیستم مسئولیت را به مثابه قدمی حیاتی در بازبینی و بازسازی مدیریت صنعتی برپا کنیم. مسئولیت هرکاری و هر پستی میبایستی دقیقاً تعریف گردد. هر کادر، هر کارگر، هر تکنیسین باید یک مسئولیت دقیقاً تعریف شده داشته باشد».

نقد ما: برای پیشبرد موفقیت آمیز تولید و مدیریت در یک شرکت سوسیالیستی، عمدتاً باید بر چه تکیه کرد؟ آیا باید بر سیستم مسئولیت تکیه کرد یا بر آگاهی انسانها؟ در پیشبرد تولید... وسیع سوسیالیستی، ما البته باید سیستم لازم مسئولیت را داشته باشیم، اما مهمتر از آن پیشبرد آموزش سوسیالیستی در میان کادرها و

کارگران، بالا بردن مداوم سطح آگاهی سیاسی کارگران و کارکنان و برقرارکردن مناسبات سوسیالیستی نوین است. «هر سیستمی باید در خدمت توده ها باشد» و کارگران اربابان مؤسسات صنعتی سوسیالیستی هستند. تدوین قوانین و مقررات هدایت رشد اقتصاد سوسیالیستی را با اتکاء به توده های کارگر باید به پیش برد. اگر شرکتی در کار مدیریت بر توده های کاگر اتکاء نکند، حتی قوانین و مقررات منطقی نیز مورد سوء استفاده قرار خواهند گرفت تا «کنترل، بازرسی و اجبار» بر کارگران تحمیل شود. با ارتقاء نقش سیستم مسئولیت به مقام «هستهٔ مرکزی»، دن سیائوپین خائن میخواست نقش رهبری طبقهٔ کارگر را نفی کند و سعی میکرد کارگران را تشویق کند که فقط «یک کار» را خوب انجام دهند و به «یک پست» بچسبند و غرق در تولید شوند بدون آنکه به سیاست بپردازند. او میخواست که کارگران تسلیم خط رویزیونیستی او شوند.

پس از مقایسهٔ تغییرات در مدیریت صنعتی قبل و پس از انقلاب کبیر فرهنگی، ما عمیقا احساس کردیم که اگر در مورد خط و سبک کار کمونیستی صحبت نکنیم و فقط به سیستم مسئولیت بپردازیم، آنگاه چنین سیستم مسئولیتی فقط تأثیر مخرب بر تولید خواهد داشت. در برخی صنایع به طور مثال در گذشته گفته میشد که کارگران تولیدی و تعمیرکاران نباید پا را از حیطهٔ وظایف شان بیرون بگذارند. در نتیجه زمانی که ماشینها خراب... شدند، کارگران تولیدی با وجودی که قادر بودند آنها را به کار بیاندازند، باید کارشان را متوقف میکردند و منتظر میماندند که تعمیرکاران از راه برسند و آنها را درست کنند. این عملاً خلاقیت کارگران را در چارچوب تقسیم کارشان میکشت و آنها را تبدیل به بردگان تقسیم کار میکرد. از زمان انقلاب کبیر فرهنگی توده های کارگر گفته اند «اگرچه ما کارهای گوناگون داریم، اما همه مان ارباب هستیم». ما اگر چه تقسیم کار منطقی و یک سیستم لازم مسئولیت در پستهای منفرد داریم، ولی حصارهای تنگ گذشته در ارتباط با تقسیم کار را میشکنیم. حصارهایی که خلاقیت کارگران را خفه میکردند. کارزارهای گوناگون و فعالیت برای «متخصص شدن در یک زمینه و توانای انجام کارهای بسیار دیگر را یافتن» در همه جا شکوفا شده است. بسیاری از ما کارگران ورای سیستم مسئولیت در پستهای فردی و ورای آنچه که میخواهند به ما تحمیل کنند، قدم گذاشته ایم. دن سیائوپین ما را متهم میکند که «فاقد سیستم مسئولیت» هستیم و «تولید را به صورت هرج و مرج» به پیش میبریم. آیا او نمیخواهد ما به همان راه قدیم باز گردیم؟

باید به او بگوییم که اجازه نخواهیم داد ما را به راه قدیم باز گرداند! صدر مائو گفت :«داشتن دو نو خلاقیت بهتر از داشتن یکی است».

متن ۲۰ نکته: «از هر کس به اندازهٔ توانایی اش و به هر کس به اندازهٔ کارش یک اصل سوسیالیستی است. در دورهٔ سوسیالیستی این اصل باید با عزم و اراده اعمال شود. چرا که اساسا منطبق با نیازهای رشد نیروهای مولده است. اعمال توزیع تساوی گرایانه بدون در نظر گرفتن ماهیت کار، ظرفیت جسمانی افراد و مقدار خدمتی که انجام میدهند، شور و شوق سوسیالیستی توده های وسیع را سرکوب خواهد کرد».

نقد ما: از هر کس به اندازهٔ توانایی اش و به هر کس به اندازهٔ کارش یک اصل سوسیالیستی توزیع است. لنین گفت : «به این معنا که محصولات "بر مبنای کار "توزیع میشوند؛ حق بورژوایی هنوز موقعیت مسلط را دارد».(دولت و انقلاب) از هر کس به اندازهٔ توانایی اش مبتنی است بر توزیع بر مبنای کار. فقط زمانی به انجام رساندن صحیح توزیع بر مبنای کار و برخورد درست به آن امکان پذیر است که هر کس بهترین سعی خود را بکند روحیهٔ کار کمونیستی را ارتقاء دهد و حق بورژوایی را به نقد بکشد. رفقای کارگر به درستی میگویند : «برای اینکه هرکس بهترین توانایی هایش را ارائه دهد نباید فقط مسئله اش توزیع برمبنای کار باشد». نه تنها ما باید لزوم به کاربست توزیع برمبنای کار در جامعهٔ سوسیالیستی را مد نظر قرار دهیم، بلکه باید لزوم محدود کردن حق بورژوایی که طی توزیع بر مبنای کار منعکس میشود را نیز ببینیم. ۲۰ نکته فقط جنبهٔ «اساساً برآورده کردن نیازهای رشد نیروهای مولده» را ذکر میکند. اصلاً جنبهٔ ناهمگونی را متذکر نمیشود و بدین ترتیب وجود حق بورژوایی در عرصهٔ توزیع را انکار میکند. با این هدف که از عرصهٔ باز تولید کننده سرمایه داری محافظت کرده و آن را گسترش دهد و عناصر بورژوایی نوین را محافظت کرده، تقویت کند و زیربنای اقتصاد سوسیالیستی را تضعیف نماید.

تبلیغ این مسئله که توزیع باید بر مبنای «ظرفیت جسمانی افراد و مقدار کار و خدمتی که انجام میدهند»، صورت گیرد علناً موعظه کردن اصل کار برای پول است. یعنی اینکه هرکس بهتر کار کند بیشتر پول به دست خواهد آرد. این هیچ چیزی نیست مگر در رأس گذاشتن انگیزه های مادی. آن شور و شوقی که بدین

طریق تحریک شود، هرگز نمیتواند یک شور و شوق سوسیالیستی باشد. بلکه یک شور و شوق فردگرایانهٔ بورژوایی است. این مساله صفوف کارگران را تخریب میکند و ما این را میدانیم. دن خائن معتقد است که او عظیمترین خدمات را انجام داده است، بنابراین بسیار منطقی است که باید بیشتر از هر فرد دیگر دریافت کند. خلاصه آنکه پاداش برمبنای لیافت از آن جهت مطرح شده منافع مقامات عالیرتبهٔ رویزیونیست حفظ شود.